

آینة

ایران

بودجه‌ریزی و توسعه پایدار استان ها

● داود دانش‌جعفری: رئیس سازمان برنامه و بودجه از تفویض اختیارات بیشتری به استان‌ها در بودجه سال آتی خبر داده و عنوان کرده است که به استان‌های کشور در حوزه حصول درآمد‌ها و هزینه‌ها و همچنین تأمین منابع استانی و ملی اختیارات بیشتری اعطا خواهد شد… یکی از مشکلات عمده در اجرای این طرح این است که بسیاری از شرکت‌های استانی در تهران ثبت شده‌اند، به همین علت درآمد مالیاتی حاصل از فعالیت این شرکت‌ها در اختیار استان قرار نمی‌گیرد که لازم است راهکاری برای رفع این مشکل لحاظ شود.
چالش بعدی این است که حدود ۷۵ تا ۸۵ درصد درآمد مالیاتی کشور از فعالیت اقتصادی ۷ کلان‌شهر کشور حاصل می‌شود این بدان معناست که اقتصاد در شهرهای خاصی متمرکز است و به تبع آن اهم درآمدهای مالیاتی هم از این مناطق حاصل می‌شود… چالش بعدی به این موضوع اختصاص دارد که بسیاری از استان‌ها درآمدهایی دارند که در زمره درآمد ملی تعریف می‌شود که به نوعی باز هم باعث تمرکز بودجه می‌شود.
اینجا ضرورت دارد که سازمان برنامه و بودجه با مطالعات گسترده درآمدهای ملی را محدود به اقلام ویژه‌ای کند تا به این حد گسترده نباشد.

گیتان

به راهبردی رهبری برگردید

● **محمد ایمانی:** تن‌تزل از مفاد حداقلی برجام، خودزنی دیپلماتیک است. امکان صادرات نفت نه با اجازه‌گرفتن از آمریکا بلکه با هزینه‌دارکردن کارشنکی طرف مقابل ممکن است. نظیر کاری که با انگلیس کردیم. خرید و فروش امن نفت برای همه و ناامنی و محدودیت برای همه… آیا بعد از این ادبیات منفعل، جای مقاومت و مذاکره هم باقی می‌ماند؟ (و حال آنکه توافق منعقد شده، جای چانه‌زنی هم ندارد). چاره چیست؟ کنار گذاشتن انفعال، رفتار قاطع متقابل، و باور به اقتدار بی‌بدیل جمهوری اسلامی در منطقه، چنانکه رهبری درباره گستاخی انگلیس فرمودند و عملیاتی شد: «انگلیس خیبت دزدی دربرای می‌کند و کشتی ما را می‌دزد؛ جنایت می‌کند و شکل قانونی به آن می‌دهند». جمهوری اسلامی و عناصر مؤمن نظام، این خیانت‌ها را بی‌جواب نمی‌گذارند». از لحاظ انباشت عبرت‌ها و تجربه‌ها و نصایح مستند رهبری و کارشناسان، حجت بر دولت تمام است. اگر مذاکرات اخیر با فرانسه (بخوانید آمریکا) موجب کلاهبرداری دوباره دشمن شد، برای بی‌خبرترین عوام هم سموم نخواهد بود که کسانی فرافکنی کنند و سوء رفتار خود را پای عالی‌ترین مقام نظام بنویسند.

تبخیر وام

● نبود عللام حیاتی در بازار خرید و فروش امتیاز وام خرید خانه، از تبخیر تسهیلات مسکن خبر می‌دهد. میانگین قیمت اوراق وام خرید مسکن ماه گذشته به پایین‌ترین سطح از زمان عرضه تاکنون رسید. نشست اوراق مسکن به کانال ۳۰ هزار تومان - قیمت هر فقره اوراق ۵۰۰هزارتومانی- و پایداری این سطح قیمتی در هفته‌های اخیر یک پیام از بازار بالادست معاملات ملک مخابره می‌کند مبنی بر اینکه در حال حاضر تحت تأثیر یک سال جهش مداوم قیمت مسکن در تهران و شهرهای بزرگ، وزن واقعی تسهیلات خرید در تجهیز مالی متقاضیان خرید مسکن بی‌اثر شده و در نتیجه، حاف کامل نقش وام در معاملات ملک اتفاق افتاده است. در حال حاضر قدرت خرید وام اوراق مسکن در پایتخت به کمتر از ۵ مترمربع رسیده است. این میزان حتی برای خرید کمترین متراژ هم پاسخگو نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر وام‌های فعلی متناسب با جهش قیمت مسکن تعدیل شود، شدت رکود معاملات مصرفی مسکن در پایتخت کاهش پیدا می‌کند.

رات

مونوپولیزاسیون و اطلاع‌رسانی!

● **غلامرضا انبارلویسی:** هیئت وزیران در جلسه ۹۸/۵/۱۳ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی نه قانون موضوعه عادی، آیین‌نامه چگونگی تعیین حدود وظایف دستگاهی دولت و تشکیل شورای اطلاع‌رسانی دولت موضوع تصویب‌نامه مورخ ۷۶/۱۰/۸ یعنی ۲۲ سال پیش و اصلاحات بعدی آن را که مربوط به دولت نهم می‌باشد اصلاح و مفادی را به آن الحاق کرده است بر این مصوبه ایرادات قانونی به شرح زیر وارد است…:
رئیس سازمان صداوسیما یکی از اعضای این شورا می‌باشد. آیا رئیس رسانه ملی را می‌توان مرنوس سخنگوی دولت تلقی کرد؟ آیا صداوسیمایی که رئیس آن را مقام معظم رهبری نصب و تحت نظارت نمایندگان سه قوه است را می‌توان تحت نظر یا بهتر بگوییم زیر نظر شورای ۱۵نفره‌ای به ریاست سخنگوی دولت که معلوم نیست به لحاظ سازمانی شاغل است یا یازنشسته و پست رسمی‌اش چیست قرار داد؟ در ماده ۷ الحاقی به این تصویب‌نامه، دستگاه‌های اجرایی در فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغی موظف به رعایت سیاست‌ها و خط‌شدهای ابلاغی شورا و همچنین شورای اطلاع‌رسانی استان خواهند بود، یعنی چه؟ یعنی رسانه ملی باید در فعالیت رسانه‌ای خود در مرکز، تابع شورای به ریاست سخنگوی دولت و در استان تابع شورای سیاسی و امنیتی استاندارد که طبق بند الف ماده ۶ همین مصوبه رئیس شورای استان است باشد؟

politics@sharghdaily.ir

سیاست

در نشست «پایان یک رؤیا؛ ایران در آستانه جنگ جهانی دوم» مطرح شد

دلایل نزدیکی رضا شاه به آلمان‌ها

رضاشاه فکرمی‌کرد با آلمان‌ها دست‌آرایی خواهند داد

مجلسی گفت: «اشتباه رضاشاه این بود که اولاً به شدت خودکامه شد. او که تا پیش از این عادت داشت مشاوران خوبی در کنارش باشند از مشورت‌گرفتن دور شد، خودش را عقل کل تصور کرد و در این مسیر با آلمان‌ها پیمان دوستی بست. احساس می‌کرد اینهایی که تا قفقاز و مرز استالینگراد آمده‌اند به زودی به ایران هم خواهند آمد، دست‌آرایی با یکدیگر خواهند داد و ایرانیان از سوی هم‌زاد‌های ژرمن خود مورد احترام قرار خواهند گرفت».

او دلایل نفرت ایرانیان از رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ را برشمرد و از کشف حجاب به عنوان مهم‌ترین علت برای خوشحالی ایرانیان از رفتن رضاشاه نام برد. مجلسی افزود: «وقتی رضاشاه از ایران می‌رفت منقورت‌ترین فرمانروای تاریخ ایران بود. دلایل این مسئله کاملاً آشکار است، او به‌خصوص برای کشف حجاب منقور بود، ۹۹ درصد مردم با او مخالف بودند حتی درون دربار خودش هم با او مخالف بودند». این تحلیلگر مسائل سیاسی عنوان کرد: «وقتی آثار و کتاب‌های رئیس دفتر خودش و دیگران را می‌بینیم این مسئله جای هیچ محبوبیتی برایش نمی‌گذارد. خودش در جلسه‌ای با همسر و دخترانش که بدون حجاب هستند در جایی، اظهار شرم می‌کند. بنابراین یک دلیل آشکار این عدم محبوبیت کشف حجاب بود. دلیل دیگر هم این است که وقتی قانون شش‌سانمه و ثبت را آوردند گفتند او می‌خواهد ابزاری درست کند که براساس آن از مردم مالیات بگیرد و آنها را برای سربازی مجبور کند. سربازی اجباری در ایران باعث شد خانواده‌ها که دوست نداشتند پسران به خدمت نظام درآیند و همچنین مردم روستایی که به شهرها و سرباز‌خانه‌ها فرستاده می‌شدند، با رضاشاه مخالف شوند». فریدون مجلسی گفت: «نظام مالیات‌گیری برای مردم ایران که تمایلی به پرداخت مالیات نداشتند یک نفرت و مشکل دیگری ایجاد کرده بود که بسیار با آن مخالف بودند». به‌خصوص مبارزه او با نظام فنودالیت‌ه و خوانینی که از دست‌رنج رعایا بهره‌مند بودند، حالا او می‌خواست این نظام را برچیند و خوانین را به زیر بکشد که بالاخره هم به طور کامل موفق به انجام آن نشد. و بعد یک جان‌نشین‌کردن عشایر که در آن زمان نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، همه آنها را از رضاشاه متنفذ کرده بود».

این دیپلمات سابق افزود: «وقتی رضاشاه رفت مردم به شهرهایی که او برای خود آنها ساخته بود هجوم آورده و آنها را با خاک یکسان کردند و دوباره به سنت ییلاق و قشلاق خود روی آوردند. البته اکنون خوشبختانه آنها نصف جمعیت را تشکیل نمی‌دهند و تنها دو تا سه درصد جمعیت را دارند. با این توصیف می‌توان گفت در شهریور ۱۳۲۰ هیچ جریان اجتماعی‌ای که مدافع او باشد وجود نداشته، حتی ارتشی که به آن دلبنسته بود و او را به واقعات تاریخی می‌دانست و افسران وفادار زیادی هم بین آنها سراغ داشت. اصل ارتش از همان سربازانی تشکیل یافته بود که به اجبار گرفته شده و به ارتش آمده بودند اما وقتی این سربازان فرار کنند دیگر افسر کاره‌ای نیست و هیچ کاری از او ساخته نبود».

بررسی دوره پایانی حکومت رضاشاه نیازمند یک قضاوت منصفانه است

سخنران بعدی این نشست دکتر مجید تفرشی بود. او به دشواری امر قضاوت درباره رویدادهای سیاسی و تاریخی اشاره کرد و گفت: «صحبت‌کردن در مورد زمانه و کارنامه دوره رضاشاه همانند بحث‌های دیگر تاریخ معاصر ایران بحث دشواری است. زیرا ما با دو دیدگاه متنافر و متضاد؛ یکی هواخواه سخت عملکرد و کارنامه رضاشاه پهلوی و دیدگاه دیگری که علیه او بود مانند دیدگاه مذهبی و دیدگاه چپ و تا حدی هم دیدگاه ملی روبه‌رو هستیم. ضمن اینکه مسئله رضاشاه و تحولات آن دوره به دلایل مختلفی ناگزیر یا خواسته و ناخواسته به بخشی از فوتبال سیاسی داخل ایران تبدیل شده است. یعنی در واقع یک نوع نگرش وجود دارد که به جنگ نیابتی در تأیید وضع موجود یا علیه وضع موجود تبدیل شده است». او افزود: «بحث تاریخ و واقعات تاریخی متأسفانه با ناگزیر با وضع امروز مقایسه ایجاد می‌کند. در مورد مسائل دیگر هم به همین صورت است به عنوان مثال در مورد دکتر مصدق و ۲۸ مرداد هم به همین ترتیب است. به نوعی اصل تحولات تاریخی تحت‌الشعاع دعوای روز قرار می‌گیرد و به همین دلیل قضاوت‌ها را خیلی دشوار می‌کند». تفرشی از سه دوره تاریخی نام برد که برای ارزیابی رضاشاه باید آنها را تفکیک کرد. او دوره اول را از شروع کودتای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۷ عنوان کرد که دوره تعامل میان رضاشاه و جامعه سنتی و دینی است که صرف‌نظر از افراد معدودی مانند مرحوم مدرس، اکثر علما یا ساکت هستند یا وضع جدید را به خاطر نظم نوینی که ایجاد شد، تأیید می‌کردند.

او گفت: «تا سال ۱۳۰۷ که مسئله حمله حکومت تازه‌تأسیس سعودی در حجاز و نجد به اماکن مذهبی مورد احترام شیعه در مدینه و جاهای دیگر پیش می‌آید، مسئله تأسیس کمیسیون حرمین شریفین بین دولت و علما که در واقع نقطه پایانی بر خصومت آنها بود و دولت تصمیم به تشریک مساعی با علما و جامعه سنتی و دینی گرفت که البته برای مقابله با فعالیت‌های ضد شیعه و ضد اسلامی پادشاهی سعودی بود. بعد از این حادثه که نقطه عطفی در رابطه بین دولت و دوره رضاشاه، یعنی سال ۱۳۰۷ به شمار می‌آید و در مسئله کمیسیون حرمین شریفین که تقریباً همه علما با دولت همراهی می‌کنند، به‌تدریج دوره دوم (۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴) شروع می‌شود. این دوره،



دوره نزاع و تقابل است و در واقع دولت می‌خواهد نهادهای سنتی و دینی را بگیرد و روحانیون در این میان مقاومت می‌کنند و تلاش دارند تا قدرت سنتی خود را حفظ کنند. حوزه‌های علمیه و مساجد به مکانی برای مبارزه علما و دولت تبدیل می‌شوند که نقطه پایان این ماجرا مسئله قیام گوه‌رشاد و بعد مسئله کشف حجاب است».

پژوهشگر تاریخ معاصر، ادامه داد: «دوره سوم حکومت رضاشاه از سال ۱۳۱۴ تا پایان سلطنتش در شهریور ۱۳۲۰ بود. رضاشاه در جریان قرارداد نفتی ایران و انگلیس تلاش‌ی را آغاز کرد که این تلاش توانم با سوءمحاسبه بود و نتوانست آن را پیش ببرد. ضمن اینکه پشتوانه مردمی برای تهییج و هیجان ملی در یک جریان ضدانگلیسی در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ عملاً به نتیجه نرسید و قراردادی به ایران تحمیل شد که برخی از محققان معتقدند از جهاتی بهتر از قرارداد قبلی بود و برخی هم معتقدند بدتر بود که البته در اینجا موضوع بحث ما نیست. به‌هرحال بعد از شکست در ماجرای نفت به‌تدریج حکومت رضاشاه به سمت پلیسی‌شدن، اختناق بیشتر و سرکوب آزادی‌های مدنی رفت و بعد از ماجرای گوه‌رشاد در تیرماه ۱۳۱۴ که به تعجیل در ماجرای کشف حجاب منجر شد، زیرا طبق گفته‌های برخی‌ها همچون «حکمت» قرار بود که کشف حجاب در فروردین ۱۳۱۵ انجام شود که بعد از ماجرای مشهد و محاکمه و قتل مظالمونا و فرد بی‌گناه و میهن‌دوست به نام محمدعلی‌خان اسدی که پدر دو نفر از دامادهای فروغی بود (علی‌اکبرخان و علینقی‌خان) در واقع منجر به سقوط دولت فروغی شد».

تفرشی افزود: «وقتی در آذرماه ۱۳۱۴ اسدی اعدام شد، رضاشاه چون زمینه را مساعد یافت بلافاصله تصمیم می‌گیرد کشف حجاب را جلو بپزنداز در دی‌ماه ۱۳۱۴ به جای بهار سال بعد کشف حجاب را انجام دهد. البته سفر ترکیه و ماجراه‌ای دیگر هم در این تصمیم دخالت داشت. از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ دوره شکست مطلق جامعه سنتی و مذهبی در مقابل رضاشاه و قدرت مطلقه او بود».

تصور اینکه در یک سپیددم ناکهان همه چیز یک کشور به‌هم می‌ریزد غیرتاریخی است

او همچنین به تناقض‌های رایج در قضاوت‌های دو گرایش مخالف و موافق رضاشاه پرداخت و گفت: «این تصور که در یک سپیددم ناکهان همه‌چیز در یک کشور به‌هم می‌ریزد تصور غیرتاریخی و غیردقیقی است. وقایع تاریخی و تحولات سیاسی به‌تدریج اتفاق می‌افتند و اگر یک اتفاق خارجی در آن دخالت دارد، در واقع تلنگر نهایی است. به نظر بنده تناقضی در قضاوت آغاز سلطنت رضاشاه و پایان سلطنت رضاشاه وجود دارد که بسیار جالب است. در کودتای ۱۲۹۹ ما معتقدیم که همه‌چیز در دست جریان ملی بود، انگلیسی‌ها دخالتی نداشتند و یک جریان ملی و داخلی از روی مصلحت‌اندیشی این کار را انجام دادند. اما وقتی به شهریور ۱۳۲۰ می‌رسیم، ماجرا برعکس می‌شود؛ یعنی همه‌چیز عالی بود و فقط خارجی‌ها بودند که آن را به‌هم زدند و نابود کردند. این تناقض متأسفانه قضاوت غیرتاریخی است که همان قضاوت ابزاری سیاسی بوده و دارای کاربرد روز سیاسی است. به نظر بنده کسانی که به اصطلاح قضاوت ارزشی و هم قضاوت رضاشاهی دارند، دارای این تناقض‌اند».

تفرشی با نقد آثاری که اخیراً راجع به دوره رضاشاه منتشر شده است، بررسی تاریخی ایران در این دوره به‌ویژه در دوره پایانی حکومت رضاشاه را نیازمند یک قضاوت منصفانه و بی‌طرفانه دانست. او گفت: «متأسفانه در آثاری که اخیراً راجع به دوره رضاشاه منتشر شده است نه تازگی دیدم و نه قضاوت منصفانه و به‌دور از شائبه و دور از حب و بغض مشاهده کردم. فکر می‌کنم اگر توانیم به دوره رضاشاه به عنوان مدلی برای بررسی تحولات قبل و بعد آن نگاه کنیم، می‌توانیم به یک ارزیابی متعادل برسیم. رضاشاه نه دیو بود و نه فرشته، به نظر بنده تصویری که الان از رضاشاه وجود دارد؛ چه درباره موافقان و چه درباره مخالفان او، بخش زیادی از آنها منبعث از تحولات و هیجانات سال‌های اخیر ایران است. به این معنا که تحولات ۴۰ سال اخیر باعث می‌شود که ما قضاوت سیاه و سفیدی راجع‌به رضاشاه داشته باشیم. فکر می‌کنم اگر براساس منابع جدید داخلی و خارجی راجع به دوران رضاشاه کار کنیم تا حدی می‌توانیم به یک قضاوت عادلانه برسیم».

روزنه

یک اصولگر:

احمدی‌نژاد دنبال طرفداران مایکل جکسون است

● **شرق:** حجت‌الاسلام حسین سبحانی‌نیا، نماینده ادوار مجلس و فعال سیاسی اصولگر، با اشاره به تحرکات گاه‌وبیگاه محمود احمدی‌نژاد و تعبیر انتخاتیاتی‌بودن این تحرکات در محافل سیاسی، گفت: احمدی‌نژاد حاضر است با به‌کارگرفتن هر ابزاری خود را در صدر خبرها قرار دهد. این اقدام از سوی شخصیتی که برای خود منزلت و جایگاهی در جامعه قائل است غیرقابل‌باور بود، اما واقع امر این است که بعضی افراد گاهی گرفتار یک‌سری منیت‌ها و خودباوری‌ها می‌شوند که سعی می‌کنند به هر وسیله‌ای مطرح باشند.

به گزارش خبرآنلاین، او با تأکید بر اینکه این افراد برای قرارگرفتن در صدر اخبار رسانه‌ها و ماندن بر سر زبان‌ها دست به رفتارهای عجیب می‌زنند، افزود: بعضی افراد دچار این نوع گرفتاری و مرضی هستند که من فکر می‌کنم آقای احمدی‌نژاد هم دچار چنین منیت و خودباوری‌ای شده و به دنبال این است که از هر طریق ممکن به جامعه مطرح بماند، حال اینکه این مطرح‌بودن در جامعه به خوبی یا بدی باشد چندان برای او اهمیتی ندارد.

سبحانی‌نیا با بیان اینکه اقدامات احمدی‌نژاد از منطری سیاسی نیز قابل تفسیر است، ادامه داد: به نظر می‌رسد احمدی‌نژاد با رفتارهای پوپولیستی و مردم‌فریانه به دنبال آن است تا در انتخابات آینده گروهی را تحت‌تأثیر قرار دهد. البته مخاطب چنین شعارهایی افراد بی‌تفاوت و بی‌قیدی هستند که مایکل جکسون را الگوی خود می‌دانند؛ احمدی‌نژاد با نیم‌نگاهی به این گروه در تلاش است تا آنها را به سمت خود جلب کند تا در صورت ارائه لیست یا کاندیداشدن بتواند بدنه رأی برای خود ایجاد کند.

او با یادآوری ارسال نامه احمدی‌نژاد به ترامپ، گفت: احمدی‌نژاد با تفکر جذب آرا اقدام به رفتارهایی مانند نوشتن نامه به ترامپ یا تیریک تولد مایکل جکسون می‌کند، اما این رفتارها در شان فردی که هشت سال رئیس‌جمهور کشور انقلابی بوده و برای این انقلاب بیش از ۲۰۰ هزار شهید داده شده و با وجود این‌همه مشکلات نیست و نباید خارج از چارچوب ارزش‌های انقلابی عمل کند.

او با یادآوری شعار عدالت‌خواهی احمدی‌نژاد تصریح کرد: احمدی‌نژاد در دور اول ریاست‌جمهوری خود با طرخ چنین شعارهایی وارد عرصه و موفق به این کار شد، اما عملکرد او نشان داد که چندان به این شعارها اعتقادی نداشته که اگر داشت از مسیر اصلی منحرف نمی‌شد. سبحانی‌نیا با تأکید بر اینکه نگاه احمدی‌نژاد این است که هدف وسیله را توجیه می‌کند، ادامه داد: هدف او مطرح‌بودن است و مایکل جکسون و ترامپ با هر چیز دیگری برای او وسیله هستند. او درباره نگرانی‌ها در زمینه بروز پوپولیسم و موفقیت‌های این نگاه‌ها در انتخابات آینده، گفت: اگرچه نگرانی از این زمینه وجود دارد و اینکه شکرگردی عوام‌فریبانه همچنان بر قشری از مردم تأثیرگذار است، ولی با توجه به تجربه مردم در چندین‌سال اخیر و عوارض چنین انتخاب‌هایی و با درنظرگرفتن اینکه تبعات این رفتارها را درک کرده‌اند می‌شود امیدوار بود که با بررسی و تفکر بیشتر به این مسائل ورود کنند، درعین حال باید توجه‌ها و نگاهانه برخورد کنند. نماینده ادوار مجلس تأکید کرد: از طرفی دستگاه‌های مسئول، اعم از شورای نگهبان و مجموعه‌های دیگر هم باید در این قضیه هوشیارانه برخورد کنند که جامعه انقلابی ما در آینده گرفتار پوپولیسم نشود.

فرمانده ارتش:

امنیت و آرامش بر مرزهای میهن اسلامی حاکم است

● **ایلنا:** فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر شرایط مطلوب و امنیت و آرامش حاکم بر مرزهای کشور، گفت: همین که مقابل دشمن سینه سپر می‌کنیم و دشمن درد سیلی ما را روی صورت خود احساس می‌کند، برای ما کافی است.

سرلشکر عبدالرحیم موسوی با تأکید بر اینکه شرایط مطلوب و امنیت و آرامش حاکم بر مرزهای میهن اسلامی در سایه مجاهدت‌های مخلصانه و بی‌ریای رزمندگان به‌دست آمده است، افزود: برخی اقدامات اخیر ارتش به دلایل خاص امنیتی و ملاحظات اطلاعاتی منعکس نشد که برای حفظ مصالح نظام، این روند در برخی اقدامات مهم و او ضمن قردانی از آزاد رزمندگان ارتش که در

ماموریت‌های اخیر و همچنین تأمین امنیت و صیانت از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی به دور از تبلیغات در عین حال مقتدرانه تلاش می‌کنند، بیان کرد: اگر چه رسانه‌ها در تبیین و تبلیغ خدمات بخش‌های مختلف مؤثرند، لیکن در صورتی که بسیاری از اقدامات و خدمات به هر دلیلی مطرح نشود یا امکان و میل به رسانه‌ای‌کردن آنها وجود نداشته باشد، در صورتی که برای خدا و صادقانه باشد، خداوند به بهترین نحو جبران خواهد کرد. فرمانده کل ارتش خطاب به تعدادی از کارکنان مؤثر در ماموریت‌های ابلاغی و موفق اخیر، افزود: شما در همین وقایع زلزله و سیل شاهد بودید ثمره کار برای خدا چه دستاوردهایی داشت و چگونه همان نبات پاک، ارتش را در چشم ولی امر مسلمین و مردم عزیزتر کرد.

مفادشان اجرا نشد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیستم زندانبانی دچار تغییرات اساسی شد و در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸ اولین تصمیم شورای انقلاب درخصوص زندان‌ها در قالب مصوبه، اتخاذ و زندان‌ها به طور کامل از سیستم اجرائی به بدنه دستگاه قضائی متصل و ابتدا به وزارت دادگستری وقت و پس از مدتی و با تشکیل شورای‌عالی قضائی مسئولیت اداره زندان‌ها به این شورا سپرده شد. البته هسته اولیه سازمان زندان‌ها از ابتدای سال ۱۳۶۵ بنیان‌گذاری شد و مجید انصاری که به شورای‌عالی وقت قضائی نزدیکی فکری داشت، به‌عنوان اولین رئیس سازمان منصوب شد. از آن

شد. در این آیین‌نامه زجر بدنی و زنجیرکردن زندانیان ممنوع شد. در دوران سرتیپ درگاهی، رئیس شهریانی وقت، نظام‌نامه تشکیلاتی محابیس و توقیف‌گاه‌ها و وظایف مأموران و مستخدمان آنها تهیه شد و در ۳۱ شهریور سال ۱۳۰۷ شمسی به تصویب رسید و در همان سال نظام‌نامه اجرائی حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در ۲۱ مهرماه سال ۱۳۴۷ اولین آیین‌نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندانی‌ها نسبت به کانون اصلاح و تربیت به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آیین‌نامه مذکور اصلاح شد و به سایر زندان‌ها تعمیم داده شد، اما به علت نبود امکانات بیشتر

اداره سازمان زندان‌ها زیر نظر وزارت کشور مسبوق به‌سابقه است و پیش از انقلاب سازمان زندان‌ها زیر نظر شهریانی و وزارت کشور اداره می‌شد؛ یعنی زندان‌ها تا قبل از انقلاب، تحت مدیریت شهربانی و وابسته به وزارت کشور بودند. البته داشتن زندانبانی مدرن به قرن گذشته بازمی‌گردد و در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سروسامان‌دادن به وضع شهربانی کشور (نظمیه) عده‌ای مستشار سوئدی را استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام‌نامه محابیس را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید و این اولین آیین‌نامه و مقررات زندان‌ها

آیا قوه قضائیه چابک‌سازی می‌شود؟